

## احراز جایگاه مرجعیت علمی از الزامات نظام انقلابی تمدن ساز

محمد رضا نجفی<sup>۱</sup>، مجتبی مرادی<sup>۲</sup>، شهاب فهیم دانش<sup>۳</sup>،  
حسین حیدرزاده بنام<sup>۴</sup>، علی اعظم خسروی<sup>۵</sup>

اولین همایش بین المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

### چکیده

اهمیت مرجعیت علمی و نقش آن در تشکیل و تکوین نظام انقلابی تمدن ساز، موضوع این مقاله است. نظام انقلابی جمهوری اسلامی که در بهمن ماه ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، متناسب با شعارها و آرمان‌های انقلابی خود، به سرعت جای خود را در دل میلیون‌ها انسان مسلمان و آزاده در سراسر جهان باز کرد و در مدتی بسیار کوتاه، به الگویی تمام‌عیار برای مبارزان و رزمندگان انقلابی تبدیل شد. معرفی یک نظام علمی در تراز انقلاب اسلامی، از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر بود که در قالب انقلاب فرهنگی شکل گرفت. در این مقاله، ابتدا به چرایی احراز جایگاه مرجعیت علمی در ابعاد مختلف پرداخته و سپس چگونگی تحقق آن را بررسی کرده‌ایم. اصالت حق و مرجعیت ذاتی آن، علم اقتدارآفرین (العلم سلطان) به عنوان پیش‌نیاز تمدن‌سازی، و نیز مرجعیت علمی و ارائه الگو برای جهانیان از ضرورت‌ها (چرایی) به حساب می‌آیند. در این میان، عواملی همچون پیشینه تمدن ایران قبل و بعد از اسلام، ادامه جهاد علمی و روحیه خودباوری پس از انقلاب، استفاده از میان‌برها و کشف سنت‌های آفرینش و ظرفیت وجودی ایرانیان به عنوان بخشی از روش‌های (چگونگی) رسیدن به مرجعیت علمی مطرح شده‌اند.

### واژگان کلیدی

مرجعیت علمی، خودباوری، علم اقتدارآفرین، تولید علم.



۱. دانشجوی مقطع دکتری رشته مکانیک دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
۲. کارشناس ارشد مکانیک دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
۳. پژوهشگر مرکز تحقیقات صدا و سیما، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
۴. دانشجوی دکتری مدیریت تکنولوژی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
۵. عضو هنت علمی گروه فیزیک دانشکده علوم پایه دانشگاه شاهد، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

## مقدمه

از همان ابتدای پیروزی معجزه‌آسای انقلاب اسلامی، تحول در رویکردهای علمی - آموزشی - پژوهشی و تأسیس یک ساختار علمی متناسب با ارزش‌های اسلامی - انقلابی، از جمله رسالت‌های معمار کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی (قدس سره) و سایر شخصیت‌های بزرگ و استادان والامقام (شاگردان فکری مکتب امام(ره)) مثل استاد مطهری، شهید بهشتی، شهید مفتح و... به شمار می‌رفت.

این مطلب از چند زاویه قابل توجه است. اصلی‌ترین شاخص، همان اسلامی بودن انقلاب و توجه عمیق اسلام به علم و دانش بوده است. همان اسلامی که با « اَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ » شروع شده است و حضرت امام(ره) می‌فرمود: از اول که قرائت شروع می‌شود، تعیین می‌فرماید که قرائت چه جور باید باشد: به «اسم رب» باید باشد (موسوی الخمینی(ره)، ۱۳۶۸). از طرف دیگر، [فضایی] علمی - دانشگاهی کشور قبل از انقلاب و مبنای تأسیس دانشگاه در ایران (با مدل غربی) و برون‌دادهای آن، بیانگر این واقعیت تلخ بود که اولاً، علم بدون ایمان همچون تیغی در دست زنگی است و ثانیاً، علم سکولار حاصلش چیزی جز استحاله فکری و وابستگی فرهنگی و نوکری اجانب نیست. لذا رویکرد علمی - دانشگاهی براساس قطب‌نمای غرب، در ایران پس از انقلاب نمی‌توانست ما را به کعبه‌ی مقصود برساند. لذا می‌بینیم که در سال ۱۳۵۹ انقلاب فرهنگی آغاز می‌شود و ستاد انقلاب فرهنگی شکل می‌گیرد و حضرت امام (قدس سره) دستورات لازم را صادر می‌فرماید؛ البته مواجهه با علم موجود در آن زمان، هرگز مخالفت با اصل علم و محصولات طبیعی آن نبود، چون آن علم با علمی که در اسلام مطرح است، زمین تا آسمان فرق داشت.

مقام معظم رهبری نیز به این نکته مهم اشاره فرموده‌اند: «تمام علومى که شما اسم می‌برید و از دانشگاه‌های خارجی تعریف می‌کنید و تعریف هم دارد، اینها یک ورق از عالم است؛ آن هم یک ورق نازل‌تر از همهٔ اوراق. آنهایی که می‌گویند ما انسان را شناختیم، اینها یک شبیحی از انسان، آن هم نه انسان، شبیحی از حیوانیت انسان را شناختند و گمان کردند که انسان همین هست. آنهایی که ادعا می‌کنند که ما اسلام‌شناس هستیم، اینها هم یک چیزی از این مرتبهٔ نازل اسلام را دیدند و به همین قناعت کردند و گمان کردند که اسلام را شناختند. انسان مراتبی دارد که مرتبهٔ طبیعت آن از همهٔ مراتبش نازل‌تر است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۲۵).



مقام معظم رهبری نیز بارها بر این نکته تأکید فرموده‌اند که یادگیری علم و حتی شاگردی غرب برای یادگیری، برای ما ننگ و عار نیست: «هیچ ننگمان نمی‌کند که علم را از غربی‌ها و اروپایی‌ها یاد بگیریم؛ اما ننگمان می‌کند که همیشه شاگرد بمانیم. شاگردی می‌کنیم تا استعداد خود را پرورش دهیم و از درون بجوشیم.» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۲/۱۹).

به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی در تمامی ابعاد علمی، سیاسی، اجتماعی و... پیام‌ها و نیز ارزش‌ها و گفتمان اصیل خود را داشت که به مصداق «چون که صد آید، نود هم پیش ماست» پیام‌ها و محتوای فکری انقلاب اسلامی همه پیام‌ها و اندیشه‌های موجود را تحت تأثیر قرار می‌داد که هر چند از کسب علم و تلمذ ننگ نداشت، ولی به دو دلیل اساسی نباید در این سطح نازل باقی می‌ماند:

یکی این که رویکرد علم سکولار با آموزه‌ها، اهداف و ارزش‌های انقلاب نه تنها سازگار نبود، بلکه در تضاد هم بود. فرق است بین علمی که استعمار، استثمار و بردگی فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ملت‌ها را به همراه دارد، با علمی که انسان را به مبدا هستی رهنمون می‌سازد و همه هستی را مسخر انسان می‌گرداند؛ علمی که معرفت و عبودیت به خالق را به همراه دارد و رفاه و عدالت برای مخلوق. دلیل دوم، در همین اصالت علم در تفکر توحیدی و خاستگاه آن است. به عبارت دیگر، تحول و انقلاب در ارزش‌های علمی، هم از جهت ثبوتی و هم از جهت سلبی حائز اهمیت بود.

ملت‌های ستم‌دیده و مستضعف هم که قرن‌ها زیر سیطره نظام استکباری قرار داشتند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شنیدن پیام عزت و آزادگی آن، تشنه پیام این انقلاب توحیدی، در ابعاد مختلف بودند.

بنابراین، رسالت علمی - تربیتی انقلاب که از تفکر قرآنی «وَيُزَكِّهِمْ وَيَعْلَمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه/۲) الهام می‌گرفت و می‌گیرد، باید نسخه مورد تأیید خود را هم برای عملیاتی شدن در کشور انقلابی ایران و هم برای معرفی الگو به جهان ارائه می‌کرد.

این واقعیت در طول چهار دهه مبارک و نورانی که نظام مقدس جمهوری اسلامی در عرصه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی حضور داشته است، آرام آرام شکل گرفته، تثبیت شده و اکنون در گام دوم به یک الگوی موفق تبدیل گشته، و مورد توجه و استقبال تشنگان معارف زلال علمی قرار گرفته است.

بنابراین، اصل «مرجعیت علمی جمهوری اسلامی» همزاد تحولات علمی و رویدادهای اقتدارآفرین علمی و فناورانه کشور بوده است؛ تا جایی که مرجعیت علمی نظام، هم به مثابه پیش نیاز (الزامات) و هم به عنوان هم نیاز (هم افزایی) نظام انقلابی تمدن ساز محسوب می شود. در این مقاله، به طور مبسوط به چرایی و چگونگی تحقق مرجعیت علمی، با تکیه بر فرمایشات مقام معظم رهبری در آیین گام دوم انقلاب، (متناسب با ظرفیت مقاله) خواهیم پرداخت.

گفتنی است بحث چالش ها و راهکارها نیز در جای خود بسیار مهم است و بلکه نقشه راه عملی و تحقق واقع بینانه آرمان مرجعیت علمی را تعیین می کند، اما در این مقاله نمی گنجد و در مقاله ای دیگر قابل بحث و پیگیری است که شاید توسط نگارندگان همین مقاله تقدیم و ارائه شود.

### ضرورت احراز جایگاه مرجعیت علمی

در بیان ضرورت، اهمیت و چرایی این موضوع، ابتدا باید به یک اصل کلی اشاره کرد و سپس با بیان جزئیات، آن را رمزگشایی و واکاوی نمود. در بحث کلی، توجه به چند نکته لازم است:

۱. تمدن های موجود فعلی که جهان را زیر سلطه خود قرار داده اند، از چه قدرتی به عنوان پیشران استفاده کرده و می کنند؟ اصولاً در فرایند زمان و در طول صدها سال، چگونه این تمدن را ایجاد کردند و نسبت ایجاد آن با توسعه و شکوفایی علمی، و اقتدار ناشی از آن را چگونه می شود نادیده گرفت؟

۲. تمدن شکوهمند اسلامی که صدها سال است جهان از آن بهره می برد و هنوز هم مدیون آن است، با چه نیرویی و به چه وسیله ای به این نقطه رسید؟ تاریخ پیشرفت علم از همان ابتدای ظهور اسلام تاکنون حامل چه نکته ای است؟ چه کسانی و چه عواملی در تراز و نقش ابوعلی سیناها، فارابی ها، بیرونی ها، ملاصدراها، خواجه نظام الملک ها و... در ایجاد، تثبیت و توسعه تمدن شکوهمند اسلامی نقش داشته اند؟

۳. در همین راستا، از نظر ملی و با توجه به نقش ایرانی ها در شکوفایی علم و تمدن در جهان هم قبل از اسلام و جندی شاپورها، و هم بعد از اسلام که در بالا اشاره شد، چه چیز



مهم‌تر از علم و دانش و اقتدار متأثر آن باعث ثبت ایران به عنوان یک تمدن چند هزار ساله، جلوه‌نمایی می‌کند؟ اکنون با تکیه بر این نکته که «رمز بقای یک پدیده همان رمز حدوث آن است»، کاملاً روشن می‌شود که برای رسیدن به جایگاه و قله شکوهمند تمدن اسلامی - ایرانی، بازگشت به همان جایگاه اصیل علمی از ضروریات است. اکنون در ادامه، به ذکر بعضی مطالب که اجزای موضوع کلی بالا را شکل می‌دهند، می‌پردازیم. ضمن اینکه برای هر جزء شاهدهی از فرمایشات مقام معظم رهبری خواهیم آورد.

### الف) اصالت حق و مرجعیت آن در مقابل باطل

خداوند کریم حق را به آب زلال جاری در رودخانه (جویبار) و باطل را به کف و خاشاک روی آب تشبیه می‌فرماید (رعد/۱۷)؛ ضمن اینکه رویکرد جهان آفرینش و عاقبت هستی را به پیروزی حق بر باطل توجه می‌دهد «جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء/۸۱).

بنابراین، رسالت تمام پیامبران و اولیای الهی و پیامبر عظیم‌الشان اسلام و ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین) در همین خلاصه می‌شود که حق بر باطل پیروز و حق حاکم می‌شود و جهان آفرینش از برکت آن بهره‌مند خواهد شد. این همان وعده‌ای است که با ظهور منجی عالم بشریت، حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، تحقق کامل، مطلق و محض خواهد یافت. همان چیزی که براساس فرمایش رهبری انشاءالله گام دوم انقلاب، طلوع ظهور خواهد بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

نسبت بین رسیدن به قله‌های رفیع علمی و ایجاد تمدن نوین اسلامی را حضرت آیت‌الله خامنه‌ای چنین تبیین می‌فرماید: «ما می‌توانیم به قله‌های رفیع علمی برسیم؛ می‌توانیم مرجع علمی جهان بشویم؛ می‌توانیم خودمان را از حقارت علمی نجات بدهیم، این «می‌توانیم» را که در روح این جوان‌های ما دارد جولان می‌کند، نگذارید از بین برود؛ شما هم بگویید می‌توانیم و دنبال کنید این می‌توانیم را. ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از معنویت؛ و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود؛ این کارها را می‌توانیم انجام بدهیم، که به توفیق الهی هم [این کار را] می‌کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹).



## ب) علم و نقش اقتدار آفرین آن به عنوان پیش نیاز تمدن سازی

برای کسانی که در سال‌ها و دهه‌های اخیر در عرصه پیشرفت‌های علمی کشور حاضر و ناظر بوده و آنهایی که خود نقش آفرین تولید علم بوده‌اند، این نکته از روشن‌ترین وضوحات است که اقتدار علمی ناشی از علم، در پرتو خودباوری که حضرت امام (ره) به این ملت دمید: «مهم این است که خود را باور کنیم» (موسوی الخمینی، ۱۳۶۸)، از دو منظر حائز اهمیت بوده است:

۱. دمیدن روح امید و اعتماد به نفس و تشویق انگیزه‌های دانشمندان جوان کشور و در یک کلام، دوستان انقلاب در سراسر جهان؛
۲. ایجاد هراس در جبهه استکبار و نگرانی از آینده ایران قدرتمند.

## علم اقتدار آفرین و نگاه اسلام به علم

### الف) العلم سلطان

حضرت امام علی (علیه‌السلام) در سخنانی حکیمانه و نورانی می‌فرماید: «العلم السلطان» دانش توانمندی (قدرت) است. این واقعیت که از سنت‌های هستی است، در ادبیات استکباری و دشمنان قسم خورده ما هم از قبل‌ها موج می‌زده که غربی‌ها به عنوان یک ضرب‌المثل در آورده‌اند: «Knowledge is Power» آیا این جز ترجمه دقیق و مفهومی فرمایش مولای ماست؟ اما نکته شورانگیز و انگیزه‌بخش‌تر، بخش دوم این کلام حضرت است که رمزگشایی بخش اول است: «دانش توانمندی است. هرکس بدان دست یافت چیره شد و هر کس از آن بازماند؛ بر او چیره می‌شوند» (نهج البلاغه، ۱۳۶۲).

آیا جهان هستی در عصر حاضر جز اثبات همین نکته است که علم در دست هر کسی هست، او چیره شده است. در تاریخ سراسر شرم‌آلود دوران قاجار و پهلوی از قافله علم بازماندیم و بر ما چیره شدند و در عوض، تاریخ پرشکوه انقلاب اسلامی عصر بازگشت به اقتدار ناشی از علم و دانش است.

«أَلْعِلْمُ سُلْطَانٌ؛ (سلطان) یعنی اقتدار؛ علم، اقتدار است؛ هر کسی که آن را داشته باشد «صَالٌ»، یعنی دست قدرتمند را خواهد داشت؛ هرکس که آن را نداشته باشد «صَيْلٌ عَلِيٌّ»، یعنی دست قدرتمندی بر سر او خواهد آمد یعنی زیردست خواهد شد؛ این علم [است]. امروز شما این را مشاهده می‌کنید؛ ... شما می‌دانید آمریکا، انگلیس، فرانسه و بسیاری از















کشورهای اروپایی، حتی کشورهای کوچک سال‌های متمادی، بعضی‌شان قرن‌ها، توانستند کشورهایی را تصرف کنند، هستی‌های آنها را به باد بدهند و نابودشان کنند؛ بر ملت‌ها اقتدار پیدا کردند و مسلط شدند، به‌خاطر علم؛ دنبال علم بودند. ما غفلت کردیم، .... ما باید این را جبران کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۰۷/۲۶).

معظم له در واکاوی رمز و راز عقب‌ماندگی دنیای اسلام و ضرورت مسلح شدن به سلاح علم می‌فرماید: «اگر امروز دنیای اسلام از لحاظ اقتصادی عقب است، از لحاظ فرهنگی یا سیاسی عقب مانده است، این به خاطر آن است که رقیب، یعنی دنیای غرب، مجهز به سلاح علم است. از سلاح علم برای غلبه در میدان‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ استفاده می‌کند. ما باید این سلاح را به دست آوریم؛ باید بتوانیم مسلح به علم شویم تا تهدید رقیب نتواند آن طوری که تاکنون کارآمد بوده است، کارآمد باشد. ما باید این را داشته باشیم. این یک هدف راهبردی بسیار بلندمدت و بسیار مهم و حیاتی است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۶/۲۵).

در اینجا لازم است به مستندات و آمارهای جهانی در مورد پیشرفت‌های شگفت‌انگیز علمی کشور در ده، پانزده سال گذشته توجهی داشته باشیم.

## ب) وضعیت علم و فناوری در جمهوری اسلامی ایران

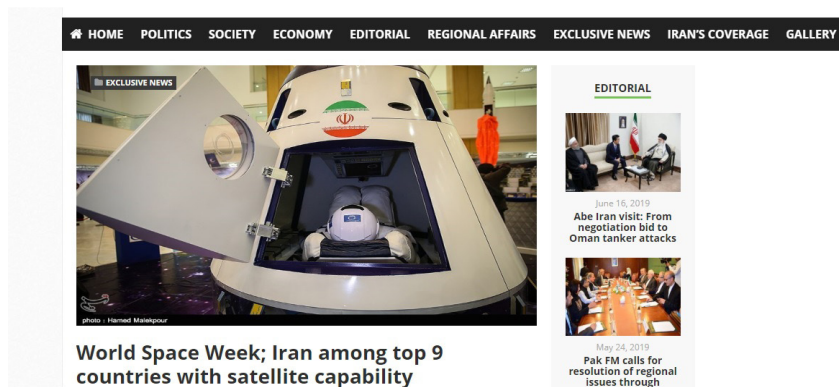
### - جایگاه ایران در سال ۲۰۱۸ در زمینه تعداد مقالات علمی

13	 South Korea	85725	79646	53132	15030	0.62	624
14	 Brazil	81742	74195	40512	13508	0.50	530
15	 Iran	60268	54915	42636	20215	0.71	292
16	 Netherlands	63193	53784	67657	15349	1.07	957
17	 Poland	49488	45365	30444	10039	0.62	519
18	 Switzerland	48317	41973	56855	12623	1.18	919
19	 Turkey	45582	39847	21886	6299	0.48	402
20	 Sweden	43956	38073	43731	9277	0.99	825
21	 Taiwan	36691	33455	22186	5300	0.60	475
22	 Indonesia	32456	31708	9710	6846	0.30	214
23	 Malaysia	33295	31102	17348	6338	0.52	281
24	 Belgium	35099	30295	35709	7162	1.02	748

## جایگاه ایران در سال ۲۰۱۸ در زمینه تعداد مقالات علمی

- ایران جزو ۹ کشور دارای (ظرفیت های) فناوری ارسال ماهواره

theiranproject.com/blog/2015/10/07/world-space-week-iran-among-top-9-countries-with-satellite-capability/ ☆



ایران جزو ۹ کشور دارای (ظرفیت های) فناوری ارسال ماهواره (۲۰۱۹)

### - ایران دومین کشور جهان در ارائه خدمات سلول های بنیادی

1	 United States
2	 Iran
3	 South Korea
4	 Australia
5	 China
6	 Spain
7	 Israel
8	 India
9	 Canada
10	 Germany
11	 Malaysia
12	 Panama
13	 United Kingdom
14	 Hong Kong

در فناوری تولید سلول های بنیادی که بنده چند وقت پیش، از آن یاد کردم، یک مشت جوان مثل شماها که در تهران هستند، فعالیت می کنند. اینها همت کردند و رفتند از دیگران یاد گرفتند؛ خودشان هم فکر کردند، سرمایه گذاری فکری کردند و توانستند کلید تولید و انجماد و حفظ و کاشت سلول های بنیادی را به دست بیاورند. امروز اینها برای اولین بار در ایران سلول های بنیادی انسولین ساز تولید کرده اند که در دنیا هنوز تولید نشده است (امام خامنه ای).

ریچارد واتسون، از مطرح ترین آینده پژوهان جهان، در ترسیم راه قدرت های کلیدی جهان می گوید که تا سال ۲۰۴۵ ایران، ترکیه و برزیل هم به قدرت های کلیدی جهان افزوده می شوند و در ۲۰۳۵ اتحادیه اروپا تجزیه خواهد شد.





حضور ایران در منطقه و پیشرو بودن در فناوری‌های برتر براساس سند جامع علمی کشور واقعیت‌هایی‌اند که دوست و دشمن به آن اعتراف می‌کنند.

### - افزایش تولید علم در مجلات معتبر نمایه‌شده فارسی

ایران در پایگاه بین‌المللی اسکوپوس از رتبه ۳۰ در سال ۱۳۸۸ به رتبه ۱۵ در سال ۱۳۹۷ رسید.



جایگاه علمی ایران براساس داده‌های پایگاه علمی اسکوپوس ۱۳۹۸

### رویکرد و شرح بحث

حال اگر علم به هیچ کس و هیچ مرز و کشور انحصار ندارد و یک نعمت الهی است که هست، چرا این علم اقتدارآفرین، برای غرب و دنیای غرب طبیعی است و بلکه وسیله تحکم و استضعاف کشانندن سایر ملل، ولی برای دیگران، عجیب نگران‌کننده و... است؟

آیت‌الله خامنه‌ای در همین زمینه می‌فرمایند: «مراکز قضاوت جهانی - از جمله همین پایگاه‌های استنادی؛ از جمله مجلات مربوط به علم، مجله ساینس، مجله نیچر - آنچه درباره‌ی ایران ذکر کرده‌اند، نشان‌دهنده اعجاب آنهاست. مثلاً یک مؤسسه علم‌سنجی در کانادا می‌گوید که «پیشرفت‌های علمی ایران خیره‌کننده است»، آن وقت جالب، جمله بعدش است که می‌گوید «و مایه نگرانی غرب است!» خب، اگر شما انسانید چرا نگران



می شوید؟ [اگر] یک ملتی از لحاظ علمی پیشرفت کند، شما باید نگران بشوید؟ مجله دیگر علمی معروف دنیا - مجله ساینس - [می نویسد] که «ایران قدرت نوظهور علمی است»؛ این را نوشتند، ثبت کردند، منتشر کردند: «قدرت نوظهور علمی». گزارش یونسکو در ۲۰۱۵ می گوید که اولویت های ایران در زمینه مسائل علمی، سلول های بنیادی است، هسته ای است، هوا فضا است، تبادل انرژی است، فناوری اطلاعات است. همه اینها را دارند در زیر ذره بین مطالعه می کنند، نگاه می کنند. این کارهایی که ما داریم انجام می دهیم، کارهای مهمی است. خوب، دانشجوی ما اینها را باید بداند؛ وقتی دانست احساس هویت می کند، احساس شخصیت می کند و به خودش، به ایرانی بودنش، به متعلق به انقلاب بودنش افتخار می کند» (خامنه ای، ۱۳۹۵/۰۳/۲۹).

در فرازی دیگر، مقام معظم رهبری در رمزگشایی از همین نگرانی فرموده اند: «آنها می دانند که اگر امروز کشور و ملت ایران توانست بر قله این فناوری بنشیند، سخن حق او در دنیا که همان استقلال امت اسلامی و عزت اسلامی است، بیشتر در بین مسلمان ها و در جوامع اسلامی جایگزین خواهد شد و ذهن ها بیشتر آن را قبول خواهند کرد؛ از این ناراحت اند؛ لذا جنجال می کنند. بنابراین، حقیقت قضیه غیر از آن چیزی است که آنها می گویند. [...] وظیفه ملی ما امروز این است که دنبال این فناوری و فناوری های مشابه، هرچه که ما را به اوج قله علم نزدیک کند، برویم و امروز دنبال کردن آن برای ملت ما واجب است و برای کسانی که می توانند، وظیفه آنهاست تا بتوانند ملت را به عزت برسانند و از وابستگی رها کنند» (خامنه ای، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱).

## یافته ها

### راهکارهای رسیدن به مرجعیت علمی در تراز جهانی (بین المللی)

قبل از پرداختن به راهکارهای واقعی و عملیاتی، دو نکته را به اختصار توضیح می دهیم:

۱. جایگاه مرجعیت در هر حوزه ای (صحنه) و عرصه ای، آن هم در تراز جهانی، بسیار رفیع است که رسیدن به آن، نه تنها خیلی ساده، آسان و ممکن نیست، بلکه خیلی هم سخت، دشوار و دست نیافتنی است. با اندکی توجه به المپیادهای علمی و یا ورزش های در سطح جهانی (المپیک) به خوبی متوجه می شویم که چه دوره های فشرده و آزمون های سخت و



مطالعات شبانه‌روزی با تمرین‌های طاقت‌فرسا لازم است تا یک نفر در این ترازها بدرخشد و برای مثال، مدال المپیاد جهانی شیمی یا ریاضی را کسب و نشان آن را به نام خود ثبت کند. اگر بخواهیم به شکلی شایسته‌تر مثال بزنیم و مقایسه کنیم، در حوزه‌های علمیه جهان تشیع، اگرچه هزاران طالب علم در سطوح مختلف در حال جد و جهد و اجتهاد علمی هستند، فقط تعدادی محدود به صورت واقعی به درجه مرجعیت می‌رسند؛ آن هم با تحمل سختی‌ها و مجاهدت‌های شبانه‌روزی و به اصطلاح، دود چراغ خوردن. پس رسیدن به جایگاه‌های رفیع و قله‌های عظمت و شکوه، آن هم در تراز «اورست» سال‌های سال زحمت، سختی، تلاش، پیروزی و شکست‌های مقطعی به همراه دارد. لذا به زبان آسان است، ولی در عمل بسیار سخت و در بعضی موارد، ناممکن و نشدنی است.

۲. کشورهای دیگری که هم‌اکنون مرجعیت علمی جهان را دارند نیز از این قاعده و سنت هستی‌مستثنی نیستند و ثمره صدها سال تلاش و کوشش علمی و پژوهش‌های عمیق و طولانی، همین مرجعیت علمی است که جهان استکباری غرب به آن دست یافته و به ابزاری برای تفرعن و تفاخر و در پی آن، توحش و چپاولگری جهان تبدیل شده است.

متأسفانه علمی که اصالت مقدس دارد، در دست انسان‌های نامقدس قرار گرفته است؛ ما در زمانی پرچم مرجعیت علمی را می‌خواهیم بلند کنیم و به اهتزاز درآوریم که علم بدون ایمان تبدیل به نحس‌ترین و نامبارک‌ترین دستاورد عصر حاضر شده و بدون رویکرد درست ایمانی و جهت‌گیری درست ارزشی، مرجعیت علمی الزاماً رجحان و برتری محسوب نمی‌شود.

خلاصه اینکه ما به دنبال مرجعیت علمی، آن هم از جنس خاصی هستیم و آن هم در جهانی استکباری که ما را مورد سخت‌ترین تحریم‌ها قرار داده است. در این وانفسای موجود، کار بسیار سخت، سخت‌تر و نشدنی‌تر به نظر می‌رسد. اینجاست که سخنان حکمت‌آمیز و الهام‌بخش رهبر معظم امیدآفرین چراغ راه می‌شود: «بروید سراغ کارهای نشدنی تا بشود...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰).

اکنون با این مقدمه نسبتاً طولانی و البته مورد نیاز، به مثابه پلی بین آرمان‌ها و واقعیات به تعدادی از راهکارها می‌پردازیم.

### الف) ادامه جهاد علمی موجود با همان روحیه خودباوری (ما می توانیم)

«آفتاب آمد دلیل آفتاب»؛ توجه به این واقعیت که مگر ما در چهل سال پیش، از نظر علمی در چه سطحی از جهان بودیم و الان کجا هستیم و در چه شرایطی به این سطح رسیدیم، اکنون به ما کمک می کند تا با همان رمز کلیدی «ما می توانیم»، آن هم با دریایی از تجارب چهل ساله و زیرساخت ها و تجهیزات بومی و نیروی انسانی کارآمد و دانشگاه ها و آزمایشگاه های تراز جهانی، برای ادامه این راه البته سخت و دشوار تلاش کنیم. و این جمله کلیدی و این سنت هستی را تکرار کنیم که رمز بقای یک هویت (پدیده) همان رمز حدوث آن است. همان گونه که آیت الله خامنه ای فرمودند: «یک آرمان دیگر عبارت است از آرمان اعتماد به نفس؛ یعنی همین «ما می توانیم» که در حرف های شماها هم بود؛ این یک آرمان است. بایستی دنبال تفکر اعتماد به نفس ملی و اعتقاد به قدرت و توانایی ملی [بود] و به عنوان یک آرمان حتماً باید تعقیب بشود. البته تعقیب آرمان ها لوازمی دارد که باید به آن لوازم عمل بشود» (خامنه ای، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰).

یادمان هست و حافظه تاریخی ما می گوید زمانی در ایام سیاه ستم شاهی، نخست وزیر وقت کشور می گفت ایرانی فقط بلد است لولهنگ (آفتابه گلی) بسازد. حاصل آن تفکر، همان اوضاع علمی ما در دوران ننگین پهلوی بود. بنابراین، اعتماد به نفس و خودباوری ستون خیمه جهاد علمی ماست.

### ب) استفاده از میان برها و روش های کاملاً نوآورانه و بومی و کشف سنت های هستی در

#### کسب مرجعیت علمی

اگرچه استفاده از تجارب جهانیان امری بدیهی و مطلوب به نظر می رسد و تاکنون نیز به خوبی از آنها استفاده کرده ایم، به طور قطع، به این بسنده نخواهیم کرد؛ بلکه استفاده از روش های ابتکاری و میان برهای علمی، ما را به سمت «شدن» نشدنی ها خواهد برد.

اگر بگوییم جهان پیشرفته کنونی با سرعت نور و ما با سرعت صوت حرکت می کنیم، فاصله ما هر روز بیشتر خواهد شد و رسیدن به این مرجعیت را نشدنی و غیرممکن می نمایاند؛ ولی میان برها و که ویژه حرکت به سمت کشف سنت های هستی و تولید علم براساس این کشفیات، ما را در رسیدن به مرجعیت علمی توانمند خواهد کرد.



آیت‌الله خامنه‌ای که به حق، امیر این کاروان علمی هستند، می‌فرمایند: «آیا فاصله ما و کشورهای پیشرفته، پُرشدنی است یا نه؟» من اعتقاد این است که بله؛ کاملاً پُرشدنی است. البته ممکن است از همان راهی که آنها رفته‌اند، ما نتوانیم برویم پُر کنیم؛ اما راه‌های میان‌بُر در دنیا الی‌ماشاء‌الله وجود دارد. این طبیعت آفرینش را که خدا به وجود آورده، ما درست شناخته‌ایم. هزاران راه وجود دارد. یک راه، همان راهی است که این تمدن صنعتی کنونی دنبالش رفته و پس از هر قدمی، قدم بعدی را به دنبال آورده است. ما چرا ناامید باشیم از این‌که دریچه جدیدی باز گردد و یک کشف تازه در دنیا بشود؟ یک روز الکتروسیته کشف نشده بود؛ یعنی در دنیا وجود داشت، اما آن را نمی‌شناختند؛ ناگهان شناختند و به دست آمد. ... علاجش هم فقط به این است که جوانان، به خصوص جوانانی که اهل علم و تحصیل و تحقیق هستند، به کار سخت بپردازند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۰۲/۰۷).

### ج) ظرفیت (وجودی) تاریخی ایرانی بودن

در یک مقاله علمی، به کار بردن عناوین و موضوع‌هایی که به ظاهر بوی ملی‌گرایی و خودپسندی نژادپرستی دارد، امری مذموم و نکوهیده است. ولی با توجه به مستندات تاریخی و واقعیت‌های موجود و اعترافات جهانی در اعصار مختلف، از این اصل مهم و واقعیت الهام‌بخش نمی‌توان به سادگی گذشت. از همان ابتدای اسلام و ورود این دین آسمانی به ایران، نقش ایرانی‌ها در پیشرفت‌های محیرالعقول مسلمانان در زمانی اندک، بر هیچ‌کس پوشیده نیست. برای مثال، به دو مورد اشاره می‌شود. شهید استاد مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران این موضوع را بسیار مبسوط و مستدل توضیح داده‌اند. نام این کتاب به خودی خود (آن هم توسط فیلسوف و فقیه و دانشمندی بی‌بدیل) اثبات‌کننده این ادعاست که ایرانی‌ها نقشی بسیار تأثیرگذار در توسعه علمی داشته‌اند.

ویل دورانت در نخستین جلد کتاب تاریخ تمدن با عنوان مشرق زمین، گاهواره تمدن درباره فرهنگ، تمدن، هنر، معماری و شاهان ایرانی مطالب جالبی نوشته است. وی در کتاب‌هایش سعی کرده است از توصیف صرف فراتر رود و با نگاهی تحلیلی، تاریخ را روایت کند. (آریان‌پور، ۱۳۸۰)



### د) تولید علم خاص مرجعیت ساز

یکی از طبیعی ترین و چه بسا دقیق ترین روش های کسب مرجعیت علمی، تولید علمی خاص است که ذات آن علم و نیاز جهان به آن علم «مرجعیت ذاتی» دارد. به عبارت دیگر، علمی که در مقایسه با علم موجود جهان برتری هایی دارد که آن برتری ها مخصوص تفکر دینی- فلسفی ایرانیان (شیعیان) است؛ همان علوم انسانی- اسلامی، علوم برخاسته از کشف سنت ها، علوم الهام گرفته از منبع وحی و علومی که نزد اهلبیت (علیهم السلام) به وسعت گذاشته شده است. رسالت دینی- انقلابی ما (صرف نظر از تلاش برای مرجعیت علمی) و اعتقاد و ایمان به تفکر اسلامی ناب (قرآن و عترت) ایجاب می کند که به سمت کشف این علوم برویم. این کشفیات، انفجار علمی آن هم انفجار نورانی علم را به همراه دارد. بنابراین، اگر مسئولیت شیعه بودن و رسالت تبیین و ترویج علوم اسلامی به خوبی در کشور تبیین و محقق شود، آن هم با توجه به ظرفیت های درونی ایرانیان، آن وقت شاهد تحقق این مرجعیت علمی خواهیم بود. با تولید این چنین علمی، صورت مسئله عوض می شود و به مصداق «نور فوق کل نور» همه نورانیت ها و همه سرعت ها، تحت تأثیر این علم قرار می گیرد. آیت الله خامنه ای نیز به این موضوع اشاره می کند: «باید همت شما این باشد که در دنیا به وضعی برسیم که اگر کسی بخواهد به تازه های علمی دست پیدا کند، مجبور باشد زبان فارسی یاد بگیرد. جوانان ما این آینده را به عنوان یک آینده حتمی و قطعی در نظر بگیرند، برای آن تلاش کنند، برای آن کار کنند. نخبگان ما، نخبگان سیاسی ما، نخبگان علمی و فرهنگی ما، با این نگاه به آینده حرکت کنند، برنامه ریزی کنند و به هیچ حدی قانع نباشند. این مقوله پیشرفت است» (خامنه ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۲).

### د) تلاش جهادگونه ایرانیان برای کسب علم

بسیج همگانی نیروهای علمی موجود در کشور و توجه دادن آنها به این امور انگیزشی، و شبکه سازی علمی دانشمندان ایرانی در سطح جهان و در یک کلام، «به خدمت گرفتن عرق ملی برای مرجعیت علمی» به طور قطع، کارساز خواهد بود.

البته ما در این مقاله در پی واکاوی و رمزگشایی این موضوع نیستیم که چرا ایرانی ها این تفاوت (فضیلت- برتری) بالقوه را دارند؛ فقط به عنوان یک اصل تاریخی و عامل حرکت به سمت جلو به آن پرداخته ایم.



## و) مرجعیت علمی و ارائه الگو برای جهانیان

در بحث مرجعیت علمی آنچه مهم‌تر از اصل و محتوای علم است، رویکرد و نقش و نیز تأثیرسازنده یا مخرب آن در جامعه است. آیا علم و محصولات آن در جهت تعالی و تکامل و خدمت به انسان‌ها و آرمان‌های والای بشری، رفاه و عدالت‌گستری است یا در راستای تکبر و انحطاط روحی، سقوط ارزش‌های انسانی و اخلاق، و گسترش ستم و تبعیض؟

مقام معظم رهبری در همین زمینه می‌فرماید: «ببینید عزیزان من! ما می‌خواهیم کشور را علمی کنیم؛ اما هدف از علمی شدن کشور این نیست که کشور را غربی کنیم. اشتباه نشود. غربی‌ها علم را دارند، اما در کنار علم و آمیخته با این علم چیزهایی هم دارند که از آنها می‌گریزیم. ما نمی‌خواهیم غربی بشویم؛ ما می‌خواهیم عالم بشویم. علم امروز دنیایی که عالم محسوب می‌شود، علم خطرناکی برای بشر است. علم را در خدمت جنگ، در خدمت خشونت، در خدمت فحشا و سکس، در خدمت مواد مخدر، در خدمت تجاوز به ملت‌ها، در خدمت استعمار، در خدمت خونریزی و جنگ قرار داده‌اند. چنین علمی را ما نمی‌خواهیم؛ ما این‌جور عالم شدن را نمی‌خواهیم. ما می‌خواهیم علم در خدمت انسانیت باشد، در خدمت عدالت باشد، در خدمت صلح و امنیت باشد. ما این‌جور علمی می‌خواهیم. اسلام به ما این علم را توصیه می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲).

بنابراین، ما در سیره علمی و عملیاتی و اقدام‌های عالمانه خود نه تنها حق نداریم مرجعیت‌های ناصالح را بپذیریم، بلکه خود باید تلاش کنیم تا با تولید علم همراه با اخلاق و معنویت جهت‌گیری آن را درست کنیم. جهان معاصر به اندازه کافی از علم بدون ایمان و اخلاق رنج برده است و هم‌اکنون نیز شاهد تلخ‌ترین آثار آن است. بنابراین، این یک رسالت بر دوش انقلاب و نظام مقدس ماست که همان‌گونه که در عرصه آزادگی، استقلال‌طلبی و استکبارستیزی آئینه‌ای تمام‌نما برای جهانیان، به‌ویژه مسلمانان محسوب می‌شود، در جهت ترویج علم و گسترش علم نافع قیام کند و با تلاش، شجاعت، جسارت و جهاد علمی، مرجعیت شایسته خود را احراز نماید. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «آمیزش علم و معنویت، علم و ایمان، علم و اخلاق، خلأ امروز دنیاست. دانشگاه اسلامی، علم و ایمان، علم و معنویت، علم و اخلاق را با هم همراه می‌کند. علم را می‌آموزد و جهت‌گیری علم را از اخلاق و ایمان می‌گیرد. این که گفتند علم با دین می‌سازد یا نمی‌سازد، این ندیدن منطقه نفوذ



علم و دین است؛ اینها هر کدام یک منطقه نفوذ دارند؛ تلفیق اینها، این است که علم (یعنی سلاح) را ایمان (یعنی آن به کار برنده) می‌گیرد و جهتش را مشخص می‌کند؛ با این سلاح می‌شود بهترین و بدترین آدم‌ها را هدف قرار داد؛ منتها تا این سلاح دست که باشد؟ این سلاح «علم» است و «ایمان» جهت آن را مشخص می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۰/۲۹).

بنابراین، حضور در عرصه‌های علمی به عنوان الگوی مرجع، به نوعی احساس وظیفه و رسالت نیز محسوب می‌شود. و باید به یک آرمان ملی تبدیل شود. ناگفته نماند که این مهم، به خودی خود باعث غرور و عزت ملی نیز خواهد شد. حرکت به سمت احراز جایگاه مرجعیت علمی باعث می‌شود که رویکرد ما از حالت پیرو به پیشرو و از حالت انفعال به فعال تبدیل شود و از حالت حقارت که میراث ننگین دوران گذشته است، به سمت عظمت و شکوه پیش رویم. مرجعیت علمی اگرچه یک نگاه آرمانی است، ولی هرگز با واقع‌بینی در تضاد نیست، شاهد آن نیز همین دستاوردهای علمی در طول دو دهه گذشته است.

البته کسانی که دوران قبل از انقلاب را حس کرده‌اند، ولی تصویر درست و روشنی از وضع علمی ما قبل از انقلاب ندارند، رسیدن به جایگاه مرجعیت علمی را ممکن است احساساتی، شعارزدگی، رؤیایی و در نهایت، غیرقابل دسترس تلقی کنند. اما یک مقایسه آماری کوچک بین ایران در دو مقطع قبل و بعد از انقلاب و یا حتی ایران دوران جنگ تحمیلی و پس از آن، ما را به واقعیت‌هایی روشن رهنمون می‌سازد.

اگر تحریم‌ها در زمان جنگ شامل سیم خاردار می‌شد، اکنون، صنایع موشکی و اقتدار موشکی ما توسط دشمنان نشانه‌گیری شده است. ضمن اینکه صدها و هزاران دستاورد از منظر اختراعات، اکتشافات، سرمایه‌های انسانی، دانشمندان بزرگ و... نگران شدن دشمنان و حتی ترور دانشمندان ما حاکی از این واقعیت است که «ما می‌توانیم». ضمن اینکه مزیت و فضیلت علمی ما که همان روح متعالی و اخلاق و ارزش‌های والای دینی است، جهان را به سرعت تحت تأثیر قرار می‌دهد و فطرت‌های پاک را شیفته خود می‌کند.

این وضعیت فعلی و این نگاه آرمانی مطلوب و دست‌یافتنی، در کلمات و فرمایشات مقام معظم رهبری به عقاب تیزپرواز تشبیه شده است که: «امروز مثل روزی است که فرض کنید یک عقاب تیزپروازی که می‌تواند در ارتفاعاتی بسیار بلند پرواز کند، از داخل صحن این فضا توانسته به پشت بام بپرد. این یک تجربه است. این سقف پرواز، خیلی بیش از اینها خواهد





بود. ان شاء الله روزی خواهد رسید که هم مرجع علمی خواهد شد کشور شما، هم مورد افتخار مسلمانان خواهد شد که بگویند اسلام یک کشور را این جور اداره کرد و هم ان شاء الله از لحاظ عملی و از لحاظ تولیدات، مرجع مراجعات مردم دنیا خواهید شد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۶/۱۶).

### نتیجه‌گیری

با توجه به آرمان‌های والای انقلاب اسلامی در تحقق عدالت و رفاه جهانی و پیشینه روشن و افتخارآفرین تمدن ایرانی قبل و پس از اسلام و نقشی که در گام دوم انقلاب اسلامی برای تمدن شکوهمند اسلامی - ایرانی رقم خورده است، ضرورت توجه به پیشرفت علم اقتدارآفرین و تمدن‌ساز در تمامی ابعاد، بر هیچ‌کس پوشیده نیست و تولید علم ناب اسلامی و علوم مرجعیت‌ساز از روش‌های احراز این مرجعیت به شمار می‌رود. تجارب ارزشمند چهل سال گذشته و جهاد علمی همراه با محصولات غیرقابل کتمان و احراز جایگاه بسیار خوب در علوم و فنون موجود جهان، مقدمه و بلکه حجتی است برای امکان کسب این جایگاه، که با همین روش، می‌توان رسیدن به قله‌ها و مرجعیت علمی را خوش‌بینانه و دست‌یافتنی تلقی کرد.

البته رسیدن به این جایگاه با چالش‌ها و موانعی نیز روبه‌روست و به اصطلاح در رسیدن به این کعبه مقصود، خار مغیلان‌هایی نیز وجود دارد که باید راهکارها و چاره‌هایی پیش‌بینی کرد. این مطلبی است که در مقاله‌ای دیگر به آن پرداخته خواهد شد.

## منابع

## - قرآن کریم

- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، قم، ج ۲۰.
- آریانیپور، امیرحسین و دیگران، دورانت، ویلیام جیمز و آریل (۱۳۸۰)، «تاریخ تمدن، مشرق زمین؛ گاهواره تمدن»، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بیات، کاوه (۱۳۹۶)، ادوارد براوه، شرق شناس ایران دوست. ماهنامه جهان کتاب، سال ۲۲، ش ۸.
- خامنه‌ای، سیدعلی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، ir.Khamenei.
- سامانه نشریات علمی (۱۳۹۸)، جایگاه علمی ایران براساس داده‌های پایگاه اسکوپوس: [isc.gov.ir/fa](http://isc.gov.ir/fa).
- سایت خبری (۲۰۱۹)، جایگاه ایران در نه کشور دارای ظرفیت ماهواره‌ای: [theiranproject.com/?s=satellite](http://theiranproject.com/?s=satellite).
- طاهری، ملیحه (۱۳۹۴)، «بررسی ابعاد مرجعیت علمی»، انتشارات کیسان.
- طهمورث‌پور، مجتبی (۱۳۹۷)، کسب مرجعیت علمی و فرهنگی، پیش‌نیاز تمدن نوین اسلامی، دومین دوره گفت‌وگوهای فرهنگی ایران و افغانستان (تعاملات دانشگاهی و آموزش، محور توسعه پایدار ایران و افغانستان)، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- فیاض، ایران‌دخت و زهرا افشارکهن (۱۳۹۰)، «گذری بر بسترهای فرهنگی تحقق مرجعیت علمی در جهان»، اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴، تهران: پژوهشکده سیاست‌گذاری علم، فناوری و صنعت.
- کلاتری، سهیلا و دیگران (۱۳۹۲)، احیای رویکرد مرجعیت علمی در ایران، دیدگاه دانشجویان، تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی گلستان، تحقیقات کیفی در علوم سلامت.
- مهدی‌زاده، نسرین و آزاده امیری (۱۳۹۷)، «گردشگری سلامت و توریسم درمانی در جهان و جایگاه آن در ایران»، اولین همایش ملی قلب و ورزش، کرمانشاه: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی.
- موسوی الخمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)،

